

# آئین فهرست نگاری نسخه‌های خطی

محمد تقی دانش پژوه

فهرست یا بر شمردن و شناساندن کتابها بر دو نوع است :

- ۱- بر شمردن و توصیف کتابهایی که متعلق به کسی یا کتابخانه‌ای نباشد و بطور کلی در نظر گرفته شود همانکه کتابشناسی بیلوگرافی مینامند.
- ۲- بر شمردن و توصیف کتابهای متعلق به موضوع خاص که نسخه شناسی و کاتالوگ مینامند.

بطور کلی فهرست خواه کتاب شناسی یا نسخه شناسی باشد باز هم بر دو نوع است :

- ۱- فهرست دستی و مختصر یا سیاهه برداری.
  - ۲- فهرست مدلل توصیفی که در آن وصف کتاب یا نسخه می‌آید.
- فهرست نگاری در ایران و یا در دیار دیگر اسلامی سابقه‌مندی دارد و با فهرست ابن‌الندیم و فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی و معالم‌العلمای ابن شهر آشوب و فهرست منتجب‌الدین رازی و رجال ابن داود حلی و الفهرسة اشبیلی آشنا هستیم.

در روزگار اخیر در زمان صفویان ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء مولی‌عبدالله اصفهانی افندی بنگارش درآمد که یک کتاب بیوبیلیوگرافی بسیار خوبی است و مؤلف آن گذشته از کتابها که‌ئی در اصفهان دیده بشهرهای دیگر ایران هم رفته و نسخی که در آنجاها دیده است بیاد سپرده و وصف آنها را در کتاب خود آورده است. مقدمه دو کتاب بحارالانوار مجلسی و عوالم‌العلوم مولی‌عبدالله بحرانی هم کتابشناسی خوبی است و این دو از سده یازدهم است.

در سده ۳، دانشمندی یزدی کثوی هدایة الاسماء نوشته که متن آن را در مجلد ششم در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه بچاپ رسانده‌ام. در سده ۴، میرزا محمد حسین نوری در مستدرک الوسائل (مجلد دوم) در باره برخی از کتابهای شیعی به تفصیل سخن گفته است. دانشمند کنونی آقابزرگ تهرانی الذریعة و خان بابا مشار فهرست کتابهای فارسی و عربی و مؤلفان فارسی و عربی چاپ ایران و آقای ایرج افشار کتابشناسی سالانه و ده ساله نوشته اند و کتابخانه ملی نیز چندین جزوه در این زمینه نشر داده است.

\*\*\*

اما فهرست کتب خطی در مشهد و تهران و اصفهان آنچه که بچاپ رسیده بدینگونه است: قم دو مجلد، مشهد هفت مجلد، دانشگاه تهران بیست و سه مجلد نشریه یا بولتن کتابخانه مرکزی دانشگاه شش مجلد که در آن چندین کتابخانه خصوصی و عمومی فهرست شده است، از کتابخانه مجلس شورای ملی مجلد هفدهم فهرست آن زیر چاپ است کتابخانه ملی چهار مجلد، فهرست کتابهای خطی کتابخانه های رشت و همدان و یزد و آستانه قم و کتابخانه های مدارس و مساجد مشهد هم تهیه شده و زیر چاپ است، فهرست کتابخانه ملی تبریز یک جلد چاپ شده است.

اینک به قواعدی که فهرست‌نگار بخصوص در فهرست مستدل و توصیفی باید در

نظر بگیرد میپردازیم:

### کتابشناسی یا وصف کتاب بطور کلی

۱- کتاب هرگونه نوشته ایست که مقصودی را برساند یا از موضوعی در آن بحث شود، یعنی اوراق مجلد یا مابین الدفتین و یا یک طومار و کتیبه و سنگ نوشته و سند و وقف نامه و قباله و نامه ها و مکاتیب دوستانه و درباری و دیوانی و عارفانه

را باید بطور توسع کتاب بناسیم و مشمول قانون فهرست‌نگاری بدانیم.

۲- کتاب یا متن است یا شرح یا حاشیه یا گزیده و تلخیص یا بسط و ذیل و مقدمه، بازهم کتاب یا تصنیف است یا املاء یا تألیف یا جمع و گردآوری و تدوین یا داشته‌ها و یادگارها و خطوط (بشکل مرقع و اجازات) و رسائل و مطالب پراکنده در یک جنگ یا مجموعه و بیاض و کشکول و سفینه.

۳- هر کتاب را نامی خواهد بود و این نام یا به نص مؤلف در خود کتاب یا به نقل گفته او به روایت شاگردان یا کاتبان معین میشود، یا از آثار دیگر مؤلف یا آثار دیگران مشخص میگردد و شاگرد و مورخ نام کتاب را معین میسازد. در بسیاری از نسخه‌ها در آغاز یا صفحه عنوان و یا انجام و خاتمة‌الکتابه یاد در میانه نسخه یا در کراسه‌شماری گوشه‌های بالای صفحه‌ها به کتاب نام داده میشود. گواهی و نامگذاری فهرست‌نگار هم یکی از مدارک در این زمینه خواهد بود. صحت و اصالت و اعتماد به این مدارک بستگی به نظر محقق و متتبع دارد.

اگر کتاب را نامی نباشد باید بر حسب موضوع بحث بآن نامی داد. و اگر کتاب بنام دیگری مشهور شود باید نامی که مؤلف بدان داده است ملاک قرار داد و نام مشهور را بآن بازگرداند.

۴- مؤلف کتاب هم یا از نص و تصریح خود او در کتاب معلوم میشود یا اینکه شاگرد و راوی و مستملی و مجاز و مورخ و سرگذشت‌نگار آن را معین میکنند یا اینکه در نسخه از مؤلف نام برده میشود. گرفتاری فهرست‌نگار هنگامی است که در خود کتاب در دو نسخه بدو نفر منسوب شود، اینجا باید قراین تاریخی حاکم گردد. در تعیین مؤلف گذشته از قواعدی که محققان جدید بدست داده‌اند میتوان از مطالبی که علمای در ایه الحدیث مانند نووی و ابن حجر و شهید ثانی یاد کرده‌اند بهره برد.

۵- تاریخ تألیف که آنهم یا به نص مؤلف یا راوی و مستملی و کاتب نسخه معلوم

میشود یا اینکه از روی قراین تاریخی مندرج در کتاب یا سبک‌نثر و نظم مؤلف و شواهد تاریخی دیگر معین میگردد.

۶- کتاب گاهی برای یکی از پادشاهان و بزرگان و وزیران و اسیران و استادان و شاگردان و دوستان مؤلف نگاشته می‌شود. این نکته هم باید در فهرست قید شود.

۷- منابع کتاب را هم خوب است که فهرست‌نگار محقق معلوم سازد و از خواندن و دقت در کتاب و سنجش آن با ستون دیگر و از روی قرائن تاریخی آنها را برشمرد.

۸- فصول و ابواب کتاب را باید فهرست‌نگار بدست دهد و اگر مطالب آن تجزیه نشده است باید گفت که چه مباحثی در آن هست. این امر در تشخیص کتاب در درجه اول است و بسیاری از کتابها ناشناخته و ناقص را بان شناخته‌ایم.

۹- در فهرست‌ها باید آغاز و انجام خود کتاب نه نسخه تنها یاد شود و بهتر است عکسی از آغاز و انجام کتاب و جاهای دیگر که تاریخ یا نکات جالبی دارد در فهرست بچاپ برسد.

۱۰- زبانی که کتاب در آن نوشته شده باید فهرست‌نگار آنرا بگوید و اگر هم دو زبانه است قید کند.

۱۱- تعیین موضوع کتاب بسیار مهم است و بهتر است در کتابهای جدید روش تقسیم‌بندی جهانی را پیش گرفت و برای کتابهای کهن تقسیم‌بندی علمی فرهنگی که این کتاب بان متعلق است یعنی همان تقسیم‌بندی را که دانشمندان آن فرهنگ آنرا معتبر میدانند ملاک دانست مثلاً ما باید بینیم که کندی و فارابی و مشکویه رازی و ابن سینا و طوسی و قطب شیرازی و شمس‌الدین محمد آملی و دیگر دانشمندان ما چه گفته‌اند و بروش آنان پی ببریم و گرنه کتاب را درست نشناخته‌ایم.

۱۲- در فهرست بجا است که ارزش معنوی کتاب و درجه سودمندی آن معین شود تا خواننده دریابد که برای مقصود علمی او مفید است یا نه.

## نسخه‌شناسی

در شناساندن نسخه‌ها باید نکات زیر را یاد کرد.

- ۱- خط نسخه که بکدامیک از کوفی و نسخ شرقی و نسخ مغربی و تعلیق و نستعلیق و شکسته و جز اینها است.
- ۲- نویسنده نسخه که نامش در پایان یا جاهای دیگر آمده است یا اینکه از روی قراین مانند تطبیق یا گواهی دیگران معلوم میشود و بویژه تعیین می‌گردد که خط مؤلف است یا نیست و اگر هم در نسخه نوشته شده که از خود مؤلف است باید دقت شود که کاتب نقل قول مؤلف نکرده باشد. صورت خط مؤلف یا نویسنده و کاتب مشهور ناگزیر باید در فهرست کلیشه شود.
- ۳- تاریخ نوشته شدن نسخه که گاهی مصرح است در آغاز یا میانه یا انجام نسخه و در این مورد باید از تاریخ روز و ماه و سال اگر در نسخه باشد بطور کامل یاد کرد. یکی از قواید آن اینست که در تدوین تقویم قهرائی سودمند میباشد. اگر تاریخی در نسخه نباشد به قراین تاریخی و نشانه‌های نوع خط باید متوسل شد.
- ۴- جایی که نسخه در آن نوشته شده است اگر در آن معین شده باشد باید یاد نمود.
- ۵- کسی را که نسخه برای او نوشته شده است یاد کردن آن ناگزیر است و همین اهمیت آن کس یا کتاب را خواهد رساند.
- ۶- نشانه‌ها و آرایشها و تصویرها که در نسخه هست باید در فهرست یاد گردد، مانند رنگهای مشکی و سفید آب و شنگرف و زنگار و زعفران در عنوانها و فصلها و بابها و آغاز مطالب و سرلوح و پیشانی و سرفصل و خاتمه و جدول و ستون بندی و کمند و نشانه‌های سجاوندی و نقطه گذاری با «ه، ن» و جز اینها، همچنین حاشیه‌سازی و آرایش میانه سطور و مجالس تصویر نسخه اگر با کلیشه رنگین چاپ شود بهتر است.
- ۷- حواشی کتاب که از خود مؤلف است یا دیگری و لغوی است یا برای توضیح و نقد مطالب کتاب با ذکر امضاها یا صریح یا سرموز آخر آنها.
- ۸- یادداشتهای آغاز و انجام نسخه یا میانه آن درباره حوادث تاریخی مانند زلزله و سفر و حکومت و زاد و مرگ اشخاص یا آمار جمعیت شهرها و نکات ادبی و شعرها

یا فهرست کتابخانه‌ها و کتابها یا حل رموز برخی از کتابها یا سرگذشت دانشمندان و سلسله‌ها یا تاریخ شروع و ختم کتاب که همه اینها باید در فهرست بیاید.

۹- اجازه‌ها و سماعها و روایت کتاب از مؤلف و طریق آن و بلاغ مؤلف یا استاد مشهور که کتاب را نزد او خوانده‌اند باید یاد کردن تاریخ آنها و نکات تاریخی که در این اجازه‌ها و سماعها هست. همچنین کسانی که کتاب را در این نسخه خوانده‌اند یا از روی آن نسخه برداشته‌اند که باید در فهرست بطور مشروح یاد شود.

۱۰- مقابله و عراض نسخه با نسخه‌های دیگر یا نسخه مؤلف که در بسیاری از نسخ مورخ است و نشان داده میشود که نسخه از کی و چگونه تهیه شده است. ۱۱- تملک و خرید و فروش و بخشیدن و وقف نسخه با تاریخ آن اگر داشته باشد و وصف مهرها و سجل آنها و از اینجا دانسته میشود که نسخه از کجا تهیه شده بکجاها سفر کرده است و برای چه مدرسه یا مزار یا کسانی وقف یا اختصاص داده شده است. گاهی هم مخارج تهیه نسخه به سیاق یا به رقم و وصف نسخه از رهگذر کتابداری و نسخه‌شناسی با نشان دادن اصطلاحات کتابداری زمان از اینگونه یادداشتها بدست می‌آید و یا معین میشود که در چه تاریخهایی نسخه دیده شده و در کتابخانه‌ای که بوده است بازرسی شده است.

۱۲- نوع کاغذ از سمرقندی و بخارائی و بغدادی و استاسبولی و اصفهانی و فرنگی و همچنین آهن و چوب و پوست آهو و وصف کاغذ از ترمه و فستقی و آهار مهرة و متن و حاشیه و جز اینها که در این مورد فهرست نگار باید از کاغذشناس بپرسد اگر خود نداند.

۱۳- نوع جلد از ساغری و تیماج و میشن و روغنی و سربی و سوخته و رنگها و آرایشها و نوشته‌های آن و بودن آن بالولا و پوشه و محفظه و شیرازه و جز اینها.

۱۴- اندازه نسخه با تعیین عرض و طول نوشته درونی و درازا و پهنا و ستمبرای بیرونی و شماره سطور و ایات و کلمات در هر سطری در باره کتابها و رساله‌های مهم،

همچنین اندازه مشهور از رحلی و وزیری و خستی و رقعی و ربع و ثمن و بغلی و جیبی و طومار و بیاضی .

۱۵- شماره نسخه در کتابخانه که نشان دهنده جایگاه کتاب در گنجینه است ولی باید کوشید که شماره کتاب ساده تر باشد و در کتابخانه بان یک شماره بیشتر ندهند تا نسخه کمتر آلودگی پیدا کند .

### وظایف فهرست نگار

- ۱- نسخه را بدقت بخواند و بررسی کند .
- ۲- به مدارك تاریخی بنگرد .
- ۳- به فهرست دیگران رجوع کند تا ببیند چه گفته اند تا خود در اشتباه نیفتد و اشتباه آنها را رفع نماید .
- ۴- به مقالاتی که در باره یک یا چند کتاب نوشته اند باید نگرست و دانست که دیگران در باره آن چه گفته اند و این خود راهنمای خوبی است و رنج فهرست نگار را کم میکند . در این مورد باید فهرست مقالات فارسی آقای ایرج افشار و ایندکس اسلامیکوس همیشه پیش چشم فهرست نگار باشد .

### مجموعه‌ها و جنگها و سفینه‌ها و بیاضها و کشکولها

در این موارد باید محتویات آنها را بدقت نگرست و همه آنها را در فهرست به تفصیل یاد کرد . در مجموعه‌ها باید هر یک از رساله‌های آنها را جداگانه از دو رهگذر کتابشناسی و نسخه‌شناسی بررسی کرد خواه یکجا و با آوردن نام هر یک از رساله‌ها دوباره به ترتیب تهجی در جای خود یا تجزیه کردن رساله‌های مجموعه و آوردن هر یک در جای خود ولی روش نخستین بهتر است و مجموعه را بطور کامل در یکجا نشان میدهد .

### کتابهای گمنام و بی‌نام و با افتادگی و ناقص

در این موارد پس از نگاه بخود نسخه و بیرون کشیدن قرآینی که در آن هست و میشود موجب تشخیص آن گردد بخصوص فصول و ابوابی که در نسخه هست باید گمانه زد و به فهرستها و مقالات رجوع نمود تا شاید مشابه یا عین آنرا کامل یا ناقص پیدا نمود. و اگر هم این سنجش و بررسی بجایی نرسید باید آنرا بطور کامل وصف نمود تا اگر نسخه کامل دیگری از آن، فهرست‌نگار دیگری پیدا کرد بتواند دریابد که این دو یکی هستند.

در این جا به مثل گفته میشود که در فهرست بادلیان از یک رساله منشور کیمیائی و یک رساله منظوم آنهم کیمیائی و در فهرست تاشکنند از رساله‌ای در زراعت و در فهرست سنجستر از رساله‌های فارابی و در فهرست بهار هند از رساله‌هایی در منطق یاد شده است ولی با پیدا شدن نسخه‌های تجارب‌شهریاری و کنزالحکمة کوفی و ارشاد الزراعة و تلخیص منطق ارسطو از ابن رشد و اغراض ارسطاطالیس المنطقية از ابن زرعه در ایران و سنجیدن مشخصات آنها با آنچه که نگارندگان این فهرست نوشته اند بدست آمده که در کتابخانه‌های مربوط به این فهرست‌ها یا جای دیگر هم نسخی از این رساله‌ها هست و پاره‌ای از اشتباهات هم رفع شده است. تقسیم‌بندی کتاب در این مورد بهترین راهنما خواهد بود.

### فهرست مشترك

در دانشگاه تهران با همکاری بنیاد فرهنگ ایران در نظر گرفته شد که خلاصه همه فهرستهای کتاب‌فارسی در یک کتاب بنگارش درآید تا بدانیم از هر کتاب چند نسخه هست و در کجاست و با چه تاریخ، چنانکه بروکلن و سزگین برای کتابهای عربی اینکار را کرده و استوری هم برای چندبخشی از علوم درباره کتابهای فارسی چنین فهرستی نوشته است. اکنون دانشمندان انگلیسی میخواهند آنرا کامل کنند و دانشمندان روس میخواهند آن را بنحو کامل تری بررسی برگردانند چنین فهرستی هم برای کتابهای ترکی در جریان است.



فهرستی مشترک بزبان فارسی برای نسخ ایرانی فارسی توسط احمد منزی با همکاری مؤسسه فرهنگی منطقه ای زیر چاپ است و مجلد نخستین آن نشر شده است دنباله آن هم ادامه دارد. فهرست نسخه های فارسی اروپائی هم امید است که هرچه زودتر سرو صورتی بخود گیرد. برای نسخ ایرانی کتابهای عربی نیز یکی از فهرست نگاران ایران (دکتر محمد باقر حجتی) فهرست مشترک مینویسد.

این بود آنچه که به عنوان شالوده و طرح برای این مبحث مهم در اینجا آورده ام و میدانم که نقص فراوان در آن هست. امیدوارم که فهرست نگاران و کتاب شناسان آن را بخوانند و به نکات دیگری برخورد و افادات خویش را به اطلاع خواستاران برسانند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی